



طراحی مدل سیاست‌پذیری نظام ورزش نخبه در ایران

علی زیوری^۱

مژگان خدامرادپور^۲

مظفر یکتایار^۳

طیبه سادات زرگر^۴



10.22034/ssvs.2022.2065.2473

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۸/۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱

تحقیق حاضر با هدف نهایی طراحی مدل سیاست‌پذیری نظام ورزش نخبه در ایران با استفاده از طرح نظام‌مند نظریه داده‌بنیاد انجام شد. روش تحقیق آمیخته بود که در دو بخش کیفی با رویکرد اکتشافی و روش داده‌بنیاد و بخش کمی با استفاده از پرسش‌نامه طراحی‌شده بر مبنای داده‌های بخش کیفی انجام شد. در فاز کیفی، مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته با ۱۲ نفر از خبرگان ورزش نخبه که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بودند، مصاحبه شد و در بخش کمی ۴۰۱ نمونه آماری از ۵ منطقه شمال، غرب، جنوب، شرق و مرکزی انتخاب شدند. طی فرایند کدگذاری باز ۱۴۱ مفهوم اولیه به دست آمد و از درون آن‌ها ۱۷ کد محوری و ۷ کد گزینشی استخراج گردید. شرایط علی (توسعه‌ای، زیرساخت‌های ورزش نخبه و حمایت از رشد و پرورش ورزشکاران)؛ پدیده محوری (پذیرش سیاست‌های ورزش نخبه)؛ شرایط زمینه‌ای (نوآوری در کسب دانش، دانش عمومی و مدیریت استعداد)؛ شرایط مداخله‌گر (فرهنگ سیاسی، شایستگی و ارتباطات؛ راهبردها (پژوهشی، کارآمدی نظام مالی، توانمندسازی و انگیزشی) حاصل شد و در نهایت مدل پارادیمی مورد برازش قرار گرفت. بنا بر یافته‌های پژوهش، ضروری است که در زمینه پذیرش سیاست‌های ورزش نخبه اقدامات راهبردی در جهت درک سیاست‌ها و اجرای اصولی آن‌ها انجام شود. پذیرش این سیاست‌ها سبب سازمان‌دهی نخبگان ورزشی و کاهش مهاجرت آنان، افزایش غرور ملی، کاهش خطای تصمیم‌گیری و افزایش کیفیت کار سازمان‌های ورزشی خواهد شد. واژگان کلیدی: استعدادیابی، داده‌بنیاد، سیاست، مهاجرت و ورزش نخبه.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد سنج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنج، ایران

^۲ استادیار، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد سنج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنج، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Mozghanir1@yahoo.com

^۳ دانشیار، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد سنج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنج، ایران

^۴ استادیار، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

طی سال‌های اخیر، مهاجرت ورزشکاران به کشورهای دیگر برای اقامت، پدیده‌ای جدید است که ورزش کشور با آن روبه رو شده است. پیش از این عدم تخصیص امکانات سخت‌افزاری باعث می‌شد ورزشکاران زیر پرچم کشور دیگری به ورزش خود ادامه دهند، اما این بار قهرمانان تصمیم گرفته‌اند ورزش حرفه‌ای خود را کنار بگذارند و محل زندگی خود را تغییر دهند. در واقع چهره‌هایی که می‌توانند ورزشکاران آینده کشور را تربیت کنند یک به یک پرونده مهاجرت خود را تکمیل می‌کنند و برای خروج از کشور آماده می‌شوند (آفتاب نیوز، ۱۳۹۷). بررسی مطالعات علمی صورت گرفته و پایگاه‌های خبری نیز این مسئله مهم را تصدیق می‌کنند؛ چنان‌که پایگاه خبری تحلیلی عصر همدان در سال ۱۳۹۸ مقاله‌ای با عنوان «جلوی مهاجرت نخبگان ورزشی گرفته شود» را منتشر کرد (پایگاه خبری تحلیلی عصر همدان، ۱۳۹۸) و شبکه اطلاع‌رسانی دانا با انتشار مطلبی در سال ۱۳۹۷ بیان داشت که «چند سالی است خبر افتخارآفرینی ورزشکاران ایرانی در قالب پوشیدن لباس تیم ملی سایر کشورها در میداین جهانی و المپیک نقل محافل ورزشی شده است و مدیران رده بالای ورزش ما بی تفاوت از کنار این موضوع عبور می‌کنند و به دنبال پیشگیری از این اتفاق تلخ و ناپسند هم نیستند» (دیبا، ۱۳۹۸). در حقیقت مسئله مهاجرت نخبگان ورزشی، اتفاقی است که می‌تواند به نابودی بسیاری از پتانسیل‌های ورزشی ایران منجر شود. البته این موضوع ابعاد دیگری نیز دارد؛ از این نظر که برخی از ورزشکاران به هر قیمتی به دنبال لژیونر شدن هستند تا با زندگی در کشوری دیگر، انگ وطن‌فروشی نخورند. کم شدن ارزش ریال در برابر دلار باعث شده ورزشکاران رشته‌هایی مثل والیبال، هندبال، بسکتبال و فوتبال حضور در لیگ کشورهای اروپایی درجه چندم را به حضور در لیگ‌های ایران ترجیح دهند و با دریافت مبالغی ناچیز در دنیای حرفه‌ای اما قابل توجه نسبت به لیگ‌های داخلی، عازم کشوری دیگر شوند. این موضوع اگرچه در برخی ابعاد می‌تواند جنبه مثبت داشته باشد و آنها با کسب تجربه‌های لازم در رشته خودشان می‌توانند به کشور بازگشته و آموخته‌های خود را در اختیار سایر ورزشکاران قرار دهند؛ اما کاهش پویایی لیگ‌های ایرانی و گران شدن بازیکنان بی‌کیفیتی که رقیبی برای خود نمی‌بینند می‌تواند از آسیب‌های لژیونر شدن به هر قیمتی باشد. جدایی ورزشکاران علاوه بر خسارت مستقیم، به شکل خسارت غیرمستقیم منجر به کاهش کیفیت لیگ‌ها نیز می‌شود و به طور کلی ضربات جبران‌ناپذیری را بر پیکره ورزش کشور وارد خواهد کرد. به نظر می‌رسد شرایط اقتصادی حاکم بر کشور، فرار استعدادها را تسریع کرده و هر روز باید شاهد خبرهای تاسف‌بارتری در این زمینه باشیم (آفتاب نیوز، ۱۳۹۷). مرور مطالعات موجود نشان می‌دهد که یکی از عوامل تأثیرگذار در مسئله مهم مهاجرت، سیاست‌های جنگ سرد می‌تواند باشد که باعث شده بعد از جنگ جهانی، کشورهای غربی با ایجاد جاذبه‌هایی پذیرای مهاجران و پناهجویان کشورهای بلوک شرقی باشند (لی^۱، ۲۰۱۸). واقعیت این است که مهاجران به رشد اقتصادی و توسعه کشورهای

^۱ Lee

مقصود کمک زیادی می‌کنند (بناج^۱ و همکاران، ۲۰۱۰) به ویژه هنگامی که مهاجران از متخصصان، افراد تحصیل کرده و نخبه باشند با استقبال بیشتری مواجه می‌شوند؛ زیرا نگرانی‌های اجتماعی کمتری از سوی جامعه مقصد درباره آن‌ها وجود خواهد داشت (هینمولر و هاپکینز^۲، ۲۰۱۴). در هر صورت این امر از مسائل مهم پیش روی ورزش در کشور می‌باشد که نیاز به بررسی و مطالعه علمی و دقیق وضع موجود دارد، چرا که افزایش مهاجرت ورزشکاران، توسعه پایدار ورزشی، نهادینه کردن ورزش در جامعه و حضور مؤثر در رقابت‌های بین‌المللی و جهانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و دستیابی به این اهداف، نیازمند فعالیت و برآیند کار و تلاش نخبگان ورزشی است (باقری و همکاران، ۱۳۹۸). در بررسی این مسئله مهم، شاید یکی از عوامل تأثیرگذار بر آن، سیاست‌گذاری‌های حوزه ورزش نخبگان و دیدگاه عموم مردم کشور نسبت به آن باشد. با توجه به اهمیت و نگرانی‌های این حوزه، تحقیقات متعددی پیرامون دلایل سیاست‌های پیرامونی و اثرگذار بر ورزش از ورزش همگانی تا ورزش قهرمانی، از نخبه‌پروری تا توسعه و مدل‌های نظام جامع ورزش و سیاست‌های کلی ورزش در این موضوع شکل گرفته است؛ از جمله نظری و تابش (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای با عنوان «چالش‌های توسعه ورزش ایران با رویکرد استعدادیابی و نخبه‌پروری گلخانه‌ای» به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین چالش‌های نظام مدل گلخانه‌ای استعدادیابی و نخبه‌پروری ورزش ایران به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: ارتباطات، رهبری، پاداش، مکانیزم‌های کمک‌کننده، ساختار و اهداف، اما به‌طور کلی مدل گلخانه‌ای ماهیت و واقعیت ورزش کشور را نشان نمی‌دهد و با سرمایه‌گذاری بر روی افراد محدود، عملکرد ورزش کشور دچار حالت نوسانی و سینوسی می‌شود. رضایی و صالحی‌پور (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه صنعت ورزش ایران» به این نتیجه رسیدند که عوامل سیاست‌زدایی، مدیریت اثربخش و کارآمد، اصلاح ساختار، تجاری‌سازی، خصوصی‌سازی، عوامل محیطی، توسعه منابع انسانی، ارتقای زیرساخت‌ها و توسعه فضاهای ورزشی استاندارد، طراحی نظام استعدادیابی و استقرار مکانیزم توسعه صنعت ورزش به عنوان ده مؤلفه مؤثر بر توسعه صنعت ورزش ایران هستند. جوادی‌پور و رهبری (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری ورزش همگانی ایران» به این نتیجه رسیدند که مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری ورزش همگانی ایران شامل مؤلفه‌های سازمانی، باورها و فرهنگ‌ها، شرایط اقتصادی، تحلیل، تفسیر و تدوین علمی و مطالعات و پژوهش‌هاست. بنابراین ضرورت دارد سیاست‌گذاری ورزش همگانی ایران مبتنی بر مؤلفه‌های شناسایی و تحلیل‌شده در این پژوهش باشد. مظفری و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «نظام جامع توسعه ورزش قهرمانی جمهوری اسلامی ایران» دریافتند که با توجه به قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای نظام ورزش قهرمانی کشور و نیز نظرات شورای راهبردی، چشم‌انداز ورزش قهرمانی کشور را به صورت ارتقای غرور ملی از طریق توسعه ورزش قهرمانی می‌توان ترسیم کرد. ملکوتیان (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «سیاست و ورزش» به جنبه‌های گوناگون رابطه ورزش و سیاست پرداخته است. بر اساس این بررسی، رابطه ورزش و سیاست رابطه‌ای دوطرفه است. از یک طرف، سیاست از طریق

¹ Benach

² Hainmueller and Hopkins

تدوین و اجرای راهبرد ورزشی، در ورزش تأثیر دارد و از طرف دیگر، ورزش از طریق تحکیم ارزش‌های انسانی و همبستگی ملی و افزایش مشارکت سیاسی، در سیاست تأثیر می‌نهد و البته این امر، به‌ویژه در زمان برگزاری ورزش‌های بین‌المللی مورد استفاده قدرت‌های جهانی قرار می‌گیرد. الکساندرا و همکاران^۱ (۲۰۲۰)، تن، ژنگ و دیکسون^۲ (۲۰۱۹) هم طی پژوهشی با عنوان «انتقال سیاست در ورزش نخبه در چین» به بررسی سیاست‌گذاری در زمینه توسعه ورزش نخبه (غیرحرفه‌ای) از طریق بررسی دقیق سازمان‌های شنای نخبگان چینی از اوایل دهه ۲۰۰۰ پرداختند و پنج جنبه اصلی انتقال سیاست شامل منطق، بازیگران، منابع، عناصر و عوامل شرط‌بندی احصا شد. محققان طبق یافته‌های تحقیق بیان کردند که اگرچه انتقال سیاست می‌تواند مؤثر باشد، اما می‌تواند عواقب منفی ناخواسته نیز در پی داشته باشد. لذا نتایج به‌دست آمده می‌تواند برنامه‌های نخبه ورزشی را تحریک کند تا شایستگی‌های پیگیری انتقال سیاست را در نظر بگیرند؛ یعنی زمان پیگیری انتقال سیاست و چگونگی پیگیری انتقال سیاست. دی‌ریکه و دی‌بوسچر^۳ (۲۰۱۹) در بررسی سیاست‌ها و برنامه‌های آموزش و پرورش ورزشکاران نخبه در ۱۶ کشور به این نتیجه رسیدند که از میان ۹ عامل در نظر گرفته شده (سازماندهی ساختار ورزش، منابع مالی، فراهم نمودن شرایط برای ورزش، فراهم نمودن شرایط تمرینی مناسب، توسعه و ارتقای دانش مربیان، برگزاری رقابت‌های تدارکاتی و انجام پژوهش‌های علمی مناسب) عامل‌های منابع مالی، حمایت از ورزشکاران، شرایط تمرینی و توسعه دانش مربیان از عوامل اصلی در توسعه ورزشکاران نخبه است. نتایج پژوهش سینگ^۴ (۲۰۱۸) که به سیاست‌ها و راهبردهای توسعه ورزش در کشور مالزی پرداخت، حاکی از آن بود که دولت مالزی از طریق وزارت ورزش و جوانان سه برنامه بزرگ ملی برای افراد در تمام سنین را راه‌اندازی کرده است. اهداف و راهبردهای مشخص‌شده در این سیاست تضمین می‌کند که تمام تلاش‌ها در این راستا، همراه با تلاش‌ها برای رسیدن به وضعیت توسعه‌یافته در کشور مالزی، به موفقیت بینجامد. نتایج تحقیق استانلینگ و فالن^۵ (۲۰۲۱) با عنوان «سیاست ورزش در سوئد»، حاکی از این بود که سیاست‌های ورزشی در سوئد نتیجه رابطه‌ای بلندمدت بین دولت‌های ملی و محلی و باشگاه‌های غیرانتفاعی و با عضویت داوطلبانه است که به حمایت گسترده‌ای از ورزش‌های سازمان‌یافته منجر می‌شود. فاناهاشی و همکاران^۶ (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان «درک پذیرش عمومی در مورد سیاست‌های ورزشی در ژاپن» به این نتیجه رسیدند که پذیرش عمومی به طور مثبت توسط ادراک آنها از مزایای شخصی/اجتماعی و به‌طور منفی از خطرات درک‌شده تأثیر می‌پذیرد. این ساختارها به وسیله اعتماد عمومی به سیاست‌گذاران ورزش و درک مدل نقش ورزشکار تعیین می‌شود. برای افزایش پذیرش عمومی سیاست‌های ورزش، سیاست‌گذاران باید بر مزایای اجتماعی و ارزش‌هایی که از ارتقای سیاست‌ها و متغیرها

¹ Alexandra et al.

² Tan, Zheng & Dickson

³ De Rycke & De Bosscher

⁴ Singh

⁵ Stenling & Fahlén

⁶ Fanahashi et al.

می‌باشد، تمرکز کنند همچنین هولیهان^۱ (۲۰۰۵)، در مطالعه‌ای به توسعه چارچوبی برای تحلیل تدوین سیاست‌گذاری بخش عمومی ورزش انگلستان پرداخت. وی الگوی مراحل، تحلیل سازمانی، الگوی چند مرحله‌ای جریان و ساختار ترکیبی پشتیبان را ارائه می‌کند و سپس ساختاری مناسب برای سیاست‌گذاری بخش عمومی ورزش که بر نقاط قوت ساختارهای موجود تمرکز دارد، ارائه می‌نماید و تأکید ویژه‌ای بر ساختارهای همکاری متقابل همه نهادها در این حوزه دارد.

با نگاهی اجمالی بر تحقیقات انجام‌شده می‌توان ادعا نمود تعیین پیاده‌سازی سیاست‌های کلی در هر جامعه‌ای خواه در زمینه ورزش همگانی و خواه ورزش نخبگی متأثر از پذیرش این سیاست‌ها و درک آن توسط جامعه می‌باشد. با توجه به اهمیت نخبگان در توسعه ورزش کشور و کمبود تحقیقات داخلی در این زمینه، اهمیت نگرش عموم نسبت به پذیرش و مقبولیت سیاست‌های ورزش نخبه‌ای و ضرورت پرداختن به آن توسط محققان، مسئولان، سیاست‌گذاران و متخصصان ورزشی کشور می‌تواند نقش موثری در جلوگیری از بروز رفتارهایی مانند مهاجرت نخبگان ورزشی و از سوی دیگر ایجاد رویه‌های مناسب توسط مسئولان و سیاست‌گذاران امر ورزش برای حفظ و ارتقای آنان در کشور داشته باشد. لذا پژوهش حاضر با هدف ارائه مدلی برای پذیرش سیاست‌های ورزش نخبه‌ای در کشور انجام شد. این مدل می‌تواند راهگشای سیاست‌گذاران حوزه ورزش نخبگی و قرارگرفتن در مسیر توسعه در این سطح از ورزش در کشور باشد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر نوعی پژوهش ترکیبی اکتشافی متوالی است که جامعه آن را مطلعان کلیدی^۲ ورزش نخبه کشور تشکیل می‌دادند. در بخش کیفی تحقیق از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند جهت انتخاب اعضای هیئت مصاحبه‌شونده استفاده شد. ۱۲ نفر از مدیران سطوح مختلف (میانی و ارشد) سازمان‌های ورزشی و اساتید رشته مدیریت ورزشی کشور و آشنا به ورزش نخبگان که خود دارای سوابق اجرایی نیز در سطوح مختلف مدیریتی وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون‌های ورزشی نیز بودند انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها، از مصاحبه عمیق و باز به مدت ۳۰ تا ۶۰ دقیقه با خبرنگاران استفاده شد که تا حد اشباع نظری^۳ ادامه یافت. به بیان دقیق‌تر، تا زمانی که برای پژوهشگر آشکار شد که دیگر نمونه‌های آماری داده‌های جدیدی در محورهای مطرح‌شده ارائه نمی‌کنند و مباحث حالت تکراری یافته‌اند، انجام مصاحبه ادامه یافت. این حالت در مصاحبه دهم صورت گرفت و پژوهشگر برای اطمینان دو مصاحبه دیگر را نیز انجام داد. محتوای هر مصاحبه نوشته شد و بعد از کدگذاری اولیه، مفاهیم اولیه استخراج شدند.

علاوه بر این در پژوهش حاضر، از روش توافق درون‌موضوعی برای محاسبه پایایی مصاحبه‌های انجام گرفته استفاده شد. برای محاسبه پایایی مصاحبه با روش توافق درون‌موضوعی دو کدگذار (ارزیاب)، از یک دانشجوی مقطع دکتری آمار درخواست شد تا به‌عنوان همکار (کدگذار) در پژوهش مشارکت کند. آموزش‌ها و روش‌های لازم جهت کدگذاری

¹ Houlihan

² Key Informants

³ Theoretical Saturation

مصاحبه‌ها به ایشان انتقال داده شد. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که در نظر هر دو نفر مشابه بود، با عنوان «توافق» و کدهای غیرمشابه با عنوان «عدم توافق» مشخص گردید. سپس محقق به همراه این همکار پژوهش، تعداد سه مصاحبه را کدگذاری کردند و درصد توافق درون‌موضوعی محاسبه گردید. مطابق این فرمول، مقدار پایایی برابر با ۰/۸۹ به‌دست آمد. بر این اساس پایایی آزمون نیز مورد تأیید واقع شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل تماتیک استفاده گردید. در بخش کمی تحقیق اطلاعات حاصل از مصاحبه‌های عمیق به پرسش‌نامه ساختاریافته تبدیل شد. جامعه آماری در بخش کمی شامل تمامی افراد آشنا به ورزش نخبه بود. با توجه به نامشخص بودن جامعه پژوهش، ۳۸۴ نفر مشارکت‌کننده در تحقیق می‌بایست از جامعه انتخاب می‌شدند. جهت جلوگیری از افت مشارکت‌کنندگان، ۴۱۰ پرسش‌نامه در پنج منطقه جغرافیایی شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز ایران از طریق هیئت‌های ورزشی استان‌های مناطق یادشده توزیع گردید که ۴۰۷ پرسش‌نامه به صورت کامل و صحیح بازگردانده شد. روش نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای بود. در بخش کیفی از روش داده‌بنیاد اشتراوس و کوربین و ابزار MAXQDA استفاده گردید و در بخش کمی از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری نرم‌افزار PLS بهره‌گیری شد.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان به شرح جدول ۱ است:

جدول ۱: توصیف جنسیت، سابقه مدیریت در ورزش (فهرمائی) رشته تخصصی مصاحبه‌شوندگان

تعداد مصاحبه‌شوندگان		جنسیت		سابقه مدیریت در ورزش (فهرمائی)				رشته تخصصی	
		زن	مرد	۱ تا ۵ سال	۱۰ تا ۱۵ سال	۱۱ تا ۱۵ سال	بیش از ۱۵ سال	علوم ورزشی	مدیریت سایر
تعداد	۱۲	۴	۸	۲	۳	۳	۴	۷	۳
درصد	۳۳/۳۳	۶۶/۶۷	۱۶/۶۷	۲۵	۲۵	۲۵	۳۳/۳۳	۵۸/۳۳	۲۵
									۱۶/۶۷

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد ۳۳/۳۳ درصد از مصاحبه‌شوندگان زن و ۶۶/۶۷ درصد از آن‌ها مرد می‌باشند. همچنین بیشترین میزان در سابقه مدیریت در ورزش مربوط به سابقه بیش از ۱۵ سال با ۳۳/۳۳ درصد و کمترین آن مربوط به ۱ تا ۵ سال با ۱۰ درصد بوده است. بررسی رشته تخصصی مصاحبه‌شوندگان نیز نشان می‌دهد ۵۸ درصد آن‌ها تحصیلات مرتبط با علوم ورزشی، ۲۵ درصد مدیریت و ۱۶/۶۷ درصد سایر رشته‌های تحصیلی داشته‌اند. نتایج بخش کیفی تحقیق با استفاده از سه روش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی در جدول ۲ مشاهده می‌شود:

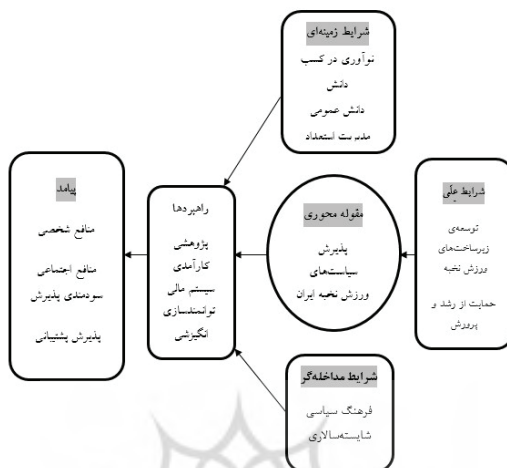
جدول ۲: کدهای ثانویه و مفاهیم

مقولات	مفاهیم	کد اولیه
		۱. توسعه تسهیلات ورزش نخبه
		۲. ایجاد مراکز تمرینی ملی
	۱. توسعه زیرساخت‌های ورزش نخبه	۳. فراهم کردن خدمات حمایتی متخصصان ورزشی
		۴. حمایت‌های علوم ورزشی و طب ورزشی
۱. اعتمادسازی		۵. سرمایه‌گذاری در ورزش نخبه
		۶. کیفیت روابط مربیان و ورزشکاران
		۷. فرصت‌های برابر
	حمایت از رشد و پرورش ورزشکاران	۸. حمایت از ورزشکاران آسیب‌دیده
		۹. حمایت از ورزشکاران تمام‌وقت
		۱۰. حمایت از ورزشکاران بازنشسته
		۱۱. وجود فناوری پیشرفته ورزشی
	۱. نوآوری در کسب دانش	۱۲. وجود منابع اطلاعاتی در دانشکده‌های علوم ورزشی
		۱۳. وجود نظام‌های نرم‌افزاری جدید
	۲. شرایط تسهیل‌گر	۱۴. دانش عمومی در مورد موفقیت در ورزش نخبه
		۱۵. آگاهی عمومی در مدیریت امور آموزشی
	۴. دانش عمومی	۱۶. دانش و اطلاعات ورزشکاران در درک ورزش نخبه
		۱۷. وجود دانش استعدادیابی ورزشی
	۵. مدیریت استعداد	۱۸. رشد دانش علم تمرین
		۱۹. فرهنگ استبدادی
	۶. فرهنگ سیاسی	۲۰. بی‌ثباتی سیاست‌ها
		۲۱. مشارکت‌گریزی
		۲۲. پیچیدگی و ابهام
		۲۳. بی‌عدالتی
۳. محدودیت‌ها	۷. شایسته‌سالاری	۲۴. رابطه سالاری
		۲۵. جناح‌گرایی
		۲۶. ضعف ارتباط بین سیاست‌ها و سازمان
		۲۷. بدبین بودن به روابط بین سیاست‌گذاران و مدیران
	۱. شبکه ارتباطات نظامی	۲۸. اجرای
		۲۹. ضعف برنامه‌ریزی برای ایجاد روابط

۳۰. ارتقای همایش‌های علمی در زمینه ورزش نخبه	۹. پژوهشی
۳۱. افزایش پژوهش‌های مؤثر بر توسعه ورزش نخبه	
۳۲. ارائه پاداش مادی به ورزشکاران نخبه	
۳۲. تأکید بر حمایت مالی پژوهشگران ورزش نخبه	۴. سیاست‌های زمینه‌ای
۳۴. حمایت از ورزشکاران، قهرمان و مدال‌آوران	۱۰. کارآمدی نظام مالی
۳. فراهم کردن شرایط تحصیلی رایگان ورزشکاران نخبه	
۳۱. برگزاری دوره‌های توانمندسازی مربیان در زمینه ورزش نخبه	۱۱. توانمندسازی
۳۷. ارتقای کیفی سطح ورزشکاران نخبه	
۳۸. توجه به داوران نخبه در سطح ملی	
۳۹. ارتقای فرهنگ مشارکت	۵. ارتقای کیفی
۴۰. شفافیت سیاست‌گذاری‌ها	
۴۱. شفافیت روابط بین سیاست‌گذاران	۱۲. انگیزشی
۴۲. رعایت عدالت در سیاست‌گذاری‌ها	
۱. مستحکم‌سازی ارتباطات بین سیاست‌ها و سازمان	
۴۴. احساس غرور	۱۳. منافع شخصی
۴۵. شادی	
۴۶. هویت‌یابی	
۴۷. دیده‌شدن در جهان	۶. درک موفقیت
۴۸. افزایش غرور ملی	
۴۹. افزایش مشارکت ورزشی	۱۴. منافع اجتماعی
۵۰. بهبود اقتصادی	
۵۱. بهبود وجهه اجتماعی	
۵. مؤثر بودن سیاست‌ها در هدایت ورزشکاران نخبه	
۵۳. کاهش خطای تصمیم‌گیری	۱۵. سودمندی پذیرش
۵۴. افزایش کیفیت کار سازمان	
۵۵. پشتیبانی از تمامی وظایف سازمان	۱۶. پذیرش پشتیبانی
۵۶. اتصال تمامی واحدها از طریق سیاست‌ها	۷. پذیرش سیاست‌ها
۵۷. درک سیاست‌ها توسط همه کارکنان	
۵۸. رضایت‌بخش بودن سرعت تصمیم‌گیری	۱۷. سهولت استفاده
۵۹. سهولت در انجام وظایف کارکنان	

طراحی مدل سیاست پذیری نظام ورزش نخبه در ایران

بعد از کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌ها، مدل نهایی پژوهش براساس مدل پیشنهادشده کوربین و استراوس طراحی و تدوین شد. شکل ۱ مدل پارادایمی برخاسته از نظریه داده‌بنیاد را برای پذیرش سیاست‌های ورزش نخبه نشان می‌دهد:



شکل ۱: مدل سیاست‌پذیری ورزش نخبه جمهوری اسلامی ایران

جدول ۳ نتایج بخش کمی در تحلیل عوامل را نشان می‌دهد. بار برخی از سوالات عوامل مانند توسعه زیرساخت‌های ورزش نخبه و ارتباطات کمتر از ۰/۷ است. بنابراین گویه‌های مذکور از اعتبار مناسبی برخوردار نبوده و از سوالات تحقیق کنار گذاشته شدند. اما بارهای عاملی دیگر گویه‌ها بیشتر از ۰/۷ می‌باشند و بنابراین اعتبار مناسبی داشتند. از سوی دیگر، داده‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که پایایی مرکب برای این متغیر بزرگتر از ۰/۸ و میانگین واریانس آن بزرگتر از ۰/۵ می‌باشد. همچنین میزان آلفای کرونباخ و Rho دیلون و گلدستین نیز بیشتر از ۰/۷ می‌باشد که این مقادیر، اعتبار همگرایی نسبتاً بالایی را نشان می‌دهند. با توجه به مناسب بودن اعتبار تمامی گویه‌های پرسش‌نامه، تمامی آن گویه‌ها در تحلیل مدل نهایی تحقیق وارد شده‌اند.

جدول ۳: نتایج مربوط به تحلیل‌های روایی و پایایی تحلیل عاملی مرتبه دوم

مؤلفه	تعداد سؤالات	میانگین واریانس	پایایی مرکب	Rho	آلفای کرونباخ
اعتماد	۹	۰/۵۱۸	۰/۹۱۴	۰/۹۰۲	۰/۸۹۳
شرایط تسهیل‌گر	۸	۰/۵۰۵	۰/۸۶۴	۰/۸۲۳	۰/۸۲۰
محدودیت‌ها	۱۰	۰/۵۱۹	۰/۹۱۴	۰/۹۰۱	۰/۸۹۶
سیاست‌های زمینه‌ای	۶	۰/۶۰۷	۰/۹۰۲	۰/۸۷۳	۰/۸۷۰
ارتقای کیفی	۸	۰/۶۷۳	۰/۹۳۳	۰/۹۱۰	۰/۹۱۸
درک موفقیت	۸	۰/۵۶۴	۰/۹۱۱	۰/۸۹۲	۰/۸۸۷
پذیرش سیاست‌ها	۸	۰/۶۲۱	۰/۹۲۹	۰/۹۱۴	۰/۹۱۲

جدول ۴: نتایج مربوط به تحلیل‌های روایی و پایایی مدل نهایی تحقیق

مؤلفه	تعداد سؤالات	میانگین واریانس	پایایی مرکب	Rho	آلفای کرونباخ
شرایط علی	۹	۰/۵۱۸	۰/۹۱۴	۰/۹۰۲	۰/۸۹۳
شرایط زمینه‌ای	۸	۰/۵۰۵	۰/۸۶۴	۰/۸۲۳	۰/۸۲۰
عوامل مداخله‌گر	۱۰	۰/۵۱۹	۰/۹۱۴	۰/۹۰۱	۰/۸۹۶
مقوله محوری	۴	۰/۵۶۷	۰/۸۳۹	۰/۷۵۶	۰/۷۴۴
راهبردها	۱۴	۰/۵۷۹	۰/۹۵۰	۰/۹۴۵	۰/۹۴۳
پیامدها	۱۶	۰/۵۳۹	۰/۸۴۹	۰/۹۴۵	۰/۹۴۲

بررسی شاخص‌های مدل نهایی پژوهش نیز نشان از اعتبار بالای مدل دارد. در نتیجه با توجه به تأیید مدل به گزارش نتایج تحلیل مسیر در قالب مدل تحقیق می‌پردازیم.

جدول ۵: مقادیر ضریب مسیر و آماره t فرضیه‌های مرتبط با مسیرهای مدل تحقیق

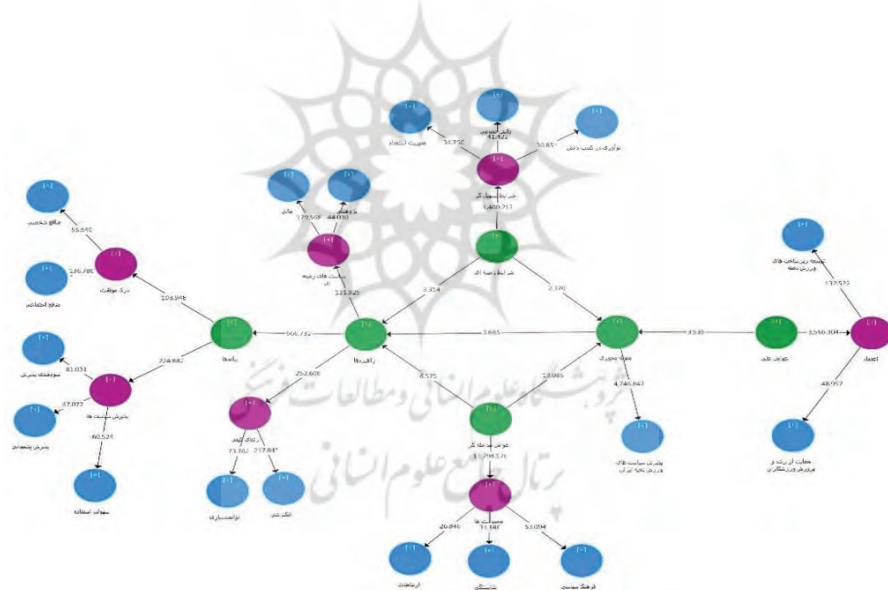
رابطه	ضریب مسیر	آماره t	معناداری	نتیجه
← شرایط علی	مقوله محوری	۰/۱۵۱	۳/۵۳۵	تأیید
← شرایط زمینه‌ای	مقوله محوری	۰/۱۳۶	۲/۳۷۰	تأیید
← شرایط مداخله‌گر	مقوله محوری	۰/۶۱۷	۱۳/۰۸۵	تأیید
← شرایط زمینه‌ای	راهبردها	۰/۲۰۴	۳/۳۱۴	تأیید
← شرایط مداخله‌گر	راهبردها	۰/۵۷۶	۶/۵۷۵	تأیید
← مقوله محوری	راهبردها	۰/۲۵۹	۳/۶۶۵	تأیید
← راهبردها	پیامدها	۰/۹۹۰	۴۴/۰۳۰	تأیید

در ادامه تصویر مدل آزمون‌شده تحقیق به همراه ضریب مسیر به‌دست‌آمده برای تمامی مسیرهای مدل در قالب شکل ۲ و ۳، آمده است:

طراحی مدل سیاست پذیری نظام ورزش نخبه در ایران



شکل ۲: مدل نهایی پژوهش در حالت ضریب مسیر و بارهای عاملی



شکل ۳: مدل نهایی پژوهش در حالت مقادیر معناداری (t. Value)

برای بررسی برازش مدل ساختاری پژوهش از چندین معیار استفاده می‌شود که اولین و اساسی‌ترین معیار، آماره t می‌باشد. ابتدایی‌ترین معیار برای سنجش رابطه بین متغیر در مدل (بخش ساختاری)، اعداد معنی‌داری t است. در صورتی که مقدار این اعداد از $1/96$ بیشتر شود، نشان از صحت رابطه بین متغیرها و در نتیجه تأیید فرضیه‌های

پژوهش در سطح اطمینان ۰/۹۵ است. همچنین مقدار معناداری نیز به همان موضوع اشاره می‌کند و اگر کمتر از ۰/۰۵ باشد، رابطه بین متغیرها را در سطح اطمینان ۰/۹۵ می‌پذیرد. البته باید توجه داشت که اعداد فقط صحت رابطه را نشان می‌دهند و شدت رابطه بین متغیرها را نمی‌توان با آن سنجید. برای فهمیدن شدت رابطه و مقایسه آن با دیگر رابطه‌ها (رابطه‌های موجود در مدل) از ضریب استاندارد شده می‌توان استفاده کرد. با توجه به الگوی تفسیری در مدل‌سازی معادلات ساختاری و از آنجایی که مقدار آماره t مربوط یک مسیر از ۱/۹۶ بزرگتر باشد، می‌توان گفت که مسیر مربوطه در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار می‌باشد. بنابراین به جز رابطه شرایط زمینه‌ای و مقوله محوری بر راهبرد، تمامی فرضیه‌های مورد بررسی در تحقیق حاضر تأیید می‌گردد.

جدول ۶: مقادیر شاخص‌های برازش برای متغیرهای مدل تحقیق

متغیر	Q2	R2	SRMR
مقوله محوری	۰/۳۴۳	۰/۶۵۳	
راهبردها	۰/۴۶۰	۰/۳۶۷	۰/۰۸۹
پیامد	۰/۴۸۸	۰/۹۷۹	

با توجه به اطلاعات جدول ۶، مقادیر به‌دست آمده برای شاخص Q^2 در محدوده متوسط تا قوی می‌باشد. همچنین مقادیر R^2 نیز در محدوده متوسط تا قوی قرار دارد و مقدار SRMR نیز کمتر از ۰/۱ می‌باشد که نشان‌دهنده کیفیت مناسب مدل آزمون شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

از آن جا که افکار عمومی بخشی از نیروی درونی یک ملت هستند، می‌توان با شناخت الگوی حاکم بر آن، رفتارهای مردم را پیش‌بینی کرد (انواری، ۱۳۹۱). این امر بسیار حائز اهمیت است، چرا که پذیرش سیاست‌ها و تصمیم‌های دولت مردان از این طریق تسهیل می‌گردد. دولت‌ها می‌توانند ورزش نخبه را با استفاده از مقبولیت عمومی توسعه دهند و مهم‌ترین عنصر اثرگذار بر این پدیده، درک و پذیرش سیاست‌های ورزش نخبه است. لذا در صورتی که اعتماد عمومی به سیاست‌ها شکل گیرد، تعهد به پیشبرد اهداف ورزش نخبه نیز افزایش می‌یابد.

موفقیت کشورها در میدا بین‌المللی ورزشی علاوه بر تأثیرات اجتماعی و اقتصادی، نمادی از ثبات و توانمندی‌های همه جانبه آن کشورها محسوب می‌شود و یکی از علل سرمایه‌گذاری بالای کشورها در ورزش قهرمانی و حرفه‌ای، از این مورد نشأت می‌گیرد (نوری و صادقی، ۱۳۹۷). ورزش به عنوان پدیده‌ای مهیج، برانگیزاننده، سبب‌ساز اتحاد ملی و عامل توسعه و ارتقای سلامت در جامعه جایگاه مهمی در جامعه به عهده دارد. از این رو دارای اهمیت فراوان است (تذهیبی، ۱۳۹۴). یکی از موارد مهم و موردتوجه برنامه‌ریزان ورزشی، فتح سکوی بین‌المللی و افتخارآفرینی در ورزش است که از راه سرمایه‌گذاری روی تیم‌های ملی می‌تواند به آن نائل شوند. فدراسیون‌های ورزشی، به عنوان بازوهای اجرایی تشکیلات ورزش کشورها، با اهداف تعمیم و گسترش ورزش همگانی و قهرمانی، متولی رشته‌های ورزشی مربوط به خود هستند و در این راستا وظیفه سیاست‌گذاری و تعیین خط مشی آن رشته

طراحی مدل سیاست‌پذیری نظام ورزش نخبه در ایران

ورزشی را بر عهده دارند (دهقان قهفرخی، ۱۳۸۹). این امر نیازمند ورزشکاران نخبه‌ای است که دارای ویژگی‌های حرفه‌ای در نقش خود هستند. کسب عنوان در رویدادهای ورزشی بزرگ و بین‌المللی که در کانون توجه بسیاری از کشورها قرار دارد، می‌تواند شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو، بسیاری از کشورها در تلاش‌اند با برنامه‌ریزی، ورزشکارانی را آماده و روانه مسابقات کنند که موفقیت آن‌ها را در رویدادهای بزرگ تضمین کند (دی‌ریکه و دی‌بوسچر، ۲۰۰۹). لذا دولت‌ها سیاست‌های ویژه‌ای برای ورزش نخبه به‌کار می‌برند که پذیرش این سیاست‌ها از دیدگاه عموم باید انجام شود که به سرانجام برسد. لذا پژوهش حاضر با هدف ارائه مدل پذیرش سیاست‌های ورزش نخبه‌ای در جمهوری اسلامی ایران، به مقوله چگونگی نگرش افراد نسبت به پذیرش سیاست‌های ورزشی و ارائه پیشنهادات مکفی در جهت پیاده‌سازی سیاست‌های مورد حمایت عموم به سیاست‌گذاران جامعه ورزش کشور انجام شد.

بر اساس یافته‌های پژوهش، عوامل علی مؤثر بر پذیرش سیاست‌های ورزش نخبه شامل مقوله اصلی اعتماد و مؤلفه‌های توسعه زیرساخت‌های ورزش نخبه و حمایت از رشد و پرورش ورزشکاران است. در دنیای ورزش، نخبه به فردی گفته می‌شود که مستعدتر، برتر و یا تمرین‌کرده‌تر از دیگران باشد. پس مفهوم نخبگی در ورزش ارتباط تنگاتنگی با ورزش‌های قهرمانی و حرفه‌ای دارد و ورزشکارانی را که دست‌کم در سطح لیگ‌های برتر کشوری فعالیت می‌کنند، می‌توان جزو ورزشکاران نخبه محسوب کرد. ورزشکاران نخبه در هر جامعه که از آنان با عنوان «ستاره‌های ورزشی» یاد می‌شود، نقش الگویی برای افراد مختلف جامعه، به‌ویژه نوجوانان و جوانان دارند و بسیاری از کودکان و نوجوانان با الگو قرار دادن ورزشکاران محبوب خود و اعتماد به آنان آرزو دارند در آینده تبدیل به ستاره‌هایی معروف در رشته‌های مختلف ورزشی شوند و از منافع همچون شهرت و محبوبیت و کسب درآمد بهره‌مند گردند (محمدی ترکمانی و همکاران، ۱۳۹۵).

برای توسعه تسهیلات ورزش نخبه باید شرایطی فراهم گردد که در آن ورزشکاران ویژگی‌های نخبه بودن را بهتر درک کنند. در این راستا ایجاد مراکز تمرینی ملی برای ورزشکاران یکی از این موارد است. زمانی که این مراکز شکل بگیرد، به تبع ورزشکاران نخبه میدانی برای تمرین و توسعه فعالیت‌های خود دارند. البته باید خدمات حمایتی متخصصان ورزشی نیز فراهم باشد. حمایت‌های علوم ورزشی و طب ورزشی می‌تواند در پذیرش سیاست‌های ورزش نخبه مؤثر واقع شود. در راستای حمایت‌های معنوی نیز می‌توان به کیفیت روابط مربیان و ورزشکاران اشاره کرد. این رابطه در صورتی که یک رابطه‌ی قوی و مشارکتی باشد می‌تواند در پذیرش سیاست‌ها نقش اساسی‌تری ایفا نماید. حمایت از رشد و پرورش ورزشکاران یکی از مهم‌ترین دلایل پذیرش سیاست‌های ورزش نخبه است. به تبع، ورزشکاران باید فرصت‌های برابر برای ادامه فعالیت‌های ورزشی داشته باشند. لذا نه تنها در زمان ورزشکاری بلکه در تمامی ادوار باید ورزشکاران مورد حمایت قرار گیرند. از این رو، حمایت از ورزشکاران آسیب‌دیده به دلیل اینکه سرمایه انسانی ما در زمینه ورزشی هستند حتماً یکی از دلایل پذیرش سیاست‌های نخبگی است. علاوه بر این حمایت از ورزشکاران تمام‌وقتی که به دلیل حجم فعالیت‌های تمرینی زیاد قادر به انجام کار و شغل دیگری نیستند، از عوامل

علی مؤثر بر پذیرش سیاست‌هاست. نه تنها این ورزشکاران بلکه حمایت از ورزشکاران بازنشسته می‌تواند از عوامل اصلی در این زمینه باشد- چون اگر این حمایت شکل نگیرد، ماهیت نخبگی ورزشکاران با موانع جدی روبه‌رو خواهد شد. نتایج مطالعه دیریک و دی بوسچر (۲۰۱۹) و فاناهاشی و همکاران (۲۰۱۵) نیز بر این موضوع تأکید داشتند که برای پذیرش سیاست‌های ورزش نخبه حمایت‌های همه‌جانبه شغلی، سازمانی و اجتماعی ضروری است. در شرایط امروزی کشور و با توجه به اهمیت تصمیمات و سیاست‌ها در جهان ورزش، نیاز به پذیرش عمومی این سیاست‌ها برای حمایت جامعه ضرورت دارد. در مورد اینکه چگونه سیاست‌گذاران می‌توانند نگرش عموم مردم را نسبت به پذیرش سیاست‌های ورزش افزایش دهند بیش‌ازپیش درک می‌شود تا مدیران و سیاست‌گذاران بتوانند با تصمیمات درست و بر اساس نظرات جامعه به دنبال جلوگیری از تلف شدن سرمایه‌های مالی و انسانی، به دست آوردن مزایای ناشی از موفقیت‌های ملی و بین‌المللی و همچنین بالا بردن پرچم کشور بر قله ورزش جهان باشند و این جز با حمایت عمومی جامعه به دست نخواهد آمد.

بر اساس یافته‌های پژوهش، مؤلفه‌های نوآوری در کسب دانش، دانش عمومی و مدیریت استعداد می‌تواند به‌عنوان شرایط زمینه‌ای به‌کاربرده شوند که در این صورت در پذیرش سیاست‌های ورزش نخبه تسهیل ایجاد می‌گردد. لذا برای نوآوری در کسب دانش باید به مواردی نظیر وجود فناوری پیشرفته ورزشی از قبیل فناوری‌های هوشمندانه اشاره کرد. این فناوری‌ها می‌توانند به ارائه فعالیت‌های ورزشی باکیفیت بالا کمک کنند که لازمه آن وجود منابع دانشی برای تأمین این فناوری‌هاست. امروزه بسیاری از سازمان‌های ورزشی پذیرفته‌اند که نیروهای متخصص و حرفه‌ای مانند متخصصان تغذیه و روانشناسی ورزشی می‌توانند در این زمینه موفق عمل کنند و تمامی متولیان ورزش در سطوح مختلف نیز باید بکوشند که فعالیت خود را حرفه‌ای سازند. بنابراین لازم است یک نظام آموزشی کاملاً تخصصی و حرفه‌ای طراحی گردد و سازمان‌های ورزشی باید با ظرفیت‌های آموزشی و فناوری مناسب به این موضوع توجه و از آن حمایت کنند. وجود منابع اطلاعاتی در دانشکده‌های علوم ورزشی از اصلی‌ترین منابع دانشی برای این مورد می‌تواند باشد. همچنین در عصر جدید وجود دستگاه‌های نرم‌افزاری جدید از دیگر منابعی است که می‌تواند کسب دانش را با نوآوری در هم آویزد. از این‌رو، تمام این نوآوری‌ها باید در جهتی قرار گیرد که دانش عمومی در مورد موفقیت در ورزش نخبه و همچنین آگاهی عمومی در مدیریت امور آموزشی و دانش و اطلاعات ورزشکاران در درک ورزش نخبه را به وجود آورد. نباید از نقش و تأثیرگذاری افکار عمومی بر سیاست‌ها در کشور غافل ماند، چراکه پذیرش و مقبولیت سیاست‌های ورزشی توسط مردم باید به‌عنوان یکی از زمینه‌های تحقیقاتی بالقوه قرار گیرد تا تلاش برای درک نگرش عمومی نسبت به سیاست‌های ورزشی مؤثر واقع گردد. سیاست‌گذاران زمانی در پذیرش سیاست‌های ورزش نخبه موفق بوده‌اند که علاوه بر منابع دانشی خلاقانه به مدیریت استعداد نیز توجه لازم را داشته باشند. لذا دانش باید در راستای استعدادیابی ورزشی و دانش علم تمرین قرار گیرد که در این صورت بیشترین پذیرش را در پی خواهد داشت. در این راستا نتایج مطالعه رضایی و صالحی‌پور (۱۳۹۷) بر این موضوع تأکید داشت که مدیریت علمی و توسعه‌پذیری مبتنی بر دانایی به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر حرفه‌ای‌گری و پرورش نخبگان در

طراحی مدل سیاست‌پذیری نظام ورزش نخبه در ایران

صنعت ورزش کشور است. همچنین هژبری، ریحانی و رمضانی نژاد (۱۳۹۰) نیز بر نقش دانش و مراکز علمی و تحقیقاتی در توسعه فرهنگ نخبه‌پروری تأکید کردند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، محدودیت‌های پذیرش سیاست ورزش نخبه مربوط به عوامل فرهنگ سیاسی، شایستگی‌ها و ارتباطات خواهد بود. منظور از فرهنگ سیاسی، فرهنگ استبدادی است که در برخی سازمان‌های ورزشی وجود دارد. همچنین این مفهوم مواردی نظیر بی‌ثباتی سیاست‌ها، مشارکت‌گریزی، پیچیدگی و ابهام و بی‌عدالتی را در پی دارد. این امر باعث می‌شود سیاست‌ها دچار تغییراتی شوند که مبتنی بر دیدگاه فرد است نه بر اساس برنامه‌های بلندمدت در سازمان. لذا هرچقدر در سازمان تصمیم‌های مدیران، یک‌جانبه و بر اساس دیدگاه مستبدانه باشد و نوعی ابهام و پیچیدگی در فرایند اجرای آن وجود داشته باشد، آن سازمان در انتقال سیاست‌های خود ناکارآمدتر خواهد بود- چراکه نه‌تنها نتوانسته مشارکت بخش‌های مختلف نیروی انسانی را به دست آورد، بلکه باعث بی‌ثباتی نیز شده است. مانع مشهود دیگر در سازمان، مربوط به ارتباطات سازمانی است. زمانی که ضعف ارتباط بین سیاست‌ها و سازمان وجود داشته باشد؛ یعنی سیاست‌ها همسو با اهداف سازمانی نباشد و افراد به روابط بین سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی بدبین باشند، عدم شفافیت در روابط و ضعف برنامه‌ریزی برای ایجاد روابط مثبت می‌تواند به مشکلات ارتباطی منتهی شود. نظری و تابش (۱۳۹۸) عدم ارتباط با ارگان‌های دیگر ازجمله آموزش و پرورش و سایر سازمان‌های مرتبط با ورزش (فرا سازمانی) و همچنین عدم ارتباط مثبت و سازنده بین ورزشکاران نخبه و مربیان (درون‌سازمانی) را به‌عنوان عوامل مؤثر در مقوله استعدادیابی و نخبه‌پروری بیان کردند. محمدی ترکمانی و همکاران (۱۳۹۵) بر روابط حرفه‌ای ورزشکاران جهت توسعه فرهنگ نخبه‌پروری در جامعه تأکید داشتند. تن، تان، ژانگ و دیکسون^۱ (۲۰۱۹) نیز ضرورت ارتباطات برون و درون‌سازمانی را جهت توسعه نخبه‌پروری در ورزش بر شمردند.

در راستای پیشبرد پذیرش سیاست‌های ورزش نخبه بر اساس عوامل علی، زمینه‌ها و موانع، راهبردهایی ارائه خواهد شد که امید است پیامدهای مطلوبی داشته باشند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، سیاست‌های مالی و توانمندسازی انگیزشی از راهبردهای مؤثر بر پذیرش سیاست‌های ورزش نخبه است. لذا برای اینکه سیاست‌های لازم را به کار ببریم باید اقدامات پژوهشی و مالی را عملی کنیم. سیاست‌های پژوهشی شامل ارتقای همایش‌های علمی در زمینه ورزش نخبه و افزایش پژوهش‌های مؤثر بر توسعه ورزش نخبه است. همچنین جنبه‌های مالی راهبرد به ارائه پاداش مادی به ورزشکاران نخبه مربوط است. موفقیت ورزشکار یا تیم به ظرفیت عملکرد سیستم مالی و اثربخشی این سیستم در استفاده از تمامی منابع مرتبط با ورزش نخبه وابستگی بسیاری دارد. تأکید بر حمایت مالی پژوهشگران ورزش نخبه، حمایت از ورزشکاران، قهرمانان و مدال‌آوران و فراهم کردن شرایط تحصیلی مناسب برای ورزشکاران نخبه است. در زمینه راهبرد ارتقای کیفی نیز به مواردی مانند توانمندسازی و راهبردهای انگیزشی متوسل می‌شویم. راهبردهای توانمندسازی به برگزاری دوره‌های توانمندسازی مربیان در زمینه ورزش نخبه، ارتقای کیفی سطح ورزشکاران نخبه و توجه به داوران نخبه در سطح ملی اشاره دارد. در این راستا باید اقداماتی نظیر ارتقای فرهنگ

^۱ Tan- Zheng

مشارکت، شفافیت سیاست‌گذاری‌ها، شفافیت روابط بین سیاست‌گذاران، رعایت عدالت در سیاست‌گذاری‌ها و مستحکم‌سازی ارتباطات بین سیاست‌ها و سازمان انجام داد. به عقیده فاناهاشی و همکاران (۲۰۲۰) سازمان‌های ورزشی باید با مدیریت اعتماد (مانند افزایش شفافیت و اقدامات ضد فساد) ابتکار عمل را در دست گیرند. عدم اعتماد به دستگاه‌های حاکم بر ورزش شدیدترین تهدید صنعت ورزش محسوب می‌شود.

بخشی از توسعه ورزش با مفهوم توسعه ورزش قهرمانی و پرورش ورزشکاران نخبه گره خورده است. گرین^۱ (۲۰۲۰) توسعه ورزش قهرمانی را تعامل سه فرآیند انتخاب و ورود ورزشکار به سیستم ورزش نخبه، رشد و پیشرفت ورزشکار و در نهایت حفظ و نگهداری او می‌داند. پیامدهای استفاده از مدل پذیرش سیاست‌های ورزش نخبه می‌تواند در جنبه‌های مختلف درک موفقیت و پذیرش سیاست‌ها حاصل گردد. با فروپاشی تدریجی نظام سرسخت و تا اندازه‌ای غیراخلاقی رایج در کشورهای اروپای شرقی در رابطه با شناسایی و گزینش استعدادها و ورزشی و تربیت اجباری آن‌ها به منظور استفاده اجباری در راستای تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی نظام حکومتی آنان، تا اندازه‌ای ناپسندی و زشتی افکار عمومی در جهان نسبت به این امر از بین رفت. لذا امروز شاهد هستیم که اکثر کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته در دنیا با راه‌های مختلف سعی در تربیت و معرفی قهرمانان ورزشی به عنوان نمادی از پیشرفت و توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی خود دارند. درک موفقیت به مواردی نظیر احساس غرور، احساس شادی و هویت‌یابی اشاره دارد و درعین‌حال جنبه‌های اجتماعی آن شامل بهبود اقتصادی، بهبود وجه اجتماعی، دیده شدن در جهان، افزایش غرور ملی و افزایش مشارکت ورزشی است. با پیشرفت روزافزون علم و فناوری، ورزش نیز از این غافل‌ه عقب نمانده است؛ به‌طوری‌که نسبت به سال‌های قبل رکوردهای ایده‌آلی بر جای گذاشته است. در دنیای کنونی که عرصه رقابت در زمینه علم و فناوری بین کشورهای مختلف است، ورزش وسیله‌ای برای اعلان برتری محسوب می‌شود و کشورها از آن به عنوان ابزاری برای بیان پیشرفت خود استفاده می‌کنند. درگذر از این جریانات، پرداختن به اصول علمی ورزش جهت سیر پله‌های ترقی نه تنها طبیعی بلکه ضروری است. برای افزایش پذیرش عمومی سیاست‌های ورزش، سیاست‌گذاران باید بر مزایای اجتماعی و ارزش‌هایی که از ارتقای سیاست‌ها و متغیرهاست، تمرکز کنند. توسعه قابلیت‌های ورزشکاران یکی از الزامات حیاتی نظام فعلی ورزش است، زیرا این ساختار تأثیر کلی بر پذیرش عمومی دارد (فاناهاشی و همکاران، ۲۰۱۵). همچنین مهم‌ترین پیامد آن به پذیرش سیاست‌ها اشاره دارد و سودمندی پذیرش را طلب می‌کند. لذا این پیامدها نشان می‌دهند که سیاست‌ها در هدایت ورزشکاران نخبه می‌توانند مؤثر واقع شوند. همچنین زمانی که چهارچوب مناسبی وجود داشته باشد، خطای تصمیم‌گیری کاهش می‌یابد و در نهایت سبب افزایش کیفیت کار سازمان می‌شود.

بدون تردید نظام جامع تربیت ورزشکاران نخبه دارای جنبه‌های متعددی است: زیرساخت‌ها و امکانات، مربیان کارآزموده، ساختار اداری و اجرایی هماهنگ، حمایت‌های مالی، حمایت‌های اجتماعی، پوشش و حمایت رسانه‌ای، استعدادیابی، نگرش مثبت و حرفه‌ای مدیران، پذیرش عمومی و تمامی این عوامل تحت‌تأثیر

^۱ Green

جهت‌گیری‌های سیاسی دولت در زمینه ورزش نخبه است. آگاهی از سیاست‌های ورزش نخبه در برخی کشورهای توسعه‌یافته که به نتایج مطلوبی دست یافته‌اند، نوعی یادگیری سیاست‌گذاری به شمار می‌آید و استفاده از تجارب جهانی راه میان‌بری است که می‌تواند هزینه‌دستیابی به توسعه ورزش نخبه را کاهش دهد. بنابراین سازمان‌های ورزشی و متولیان ورزش کشور باید با فراهم نمودن شرایط لازم از قبیل اطلاع‌رسانی، برگزاری نشست‌های تخصصی، ایجاد مراکز استعدادیابی و نخبه‌پروری و استفاده از شبکه‌های اجتماعی و ارتباطی، هماهنگی و ارتباط با مراکز علمی و پژوهشی، تدوین برنامه‌های آموزشی متناسب با سطوح مدارس و مراکز آموزشی و شفافیت در برنامه‌ها، نسبت به آگاه نمودن و پذیرش سیاست‌های نخبه‌پروری در اқشار مختلف جامعه جهت تحقق اهداف و سیاست‌های ورزش نخبه اقدام نمایند.

منابع

- آفتاب نیوز. (۱۳۹۷). «خسارت مستقیم و غیرمستقیم مهاجرت ورزشکاران». پایگاه خبری آفتاب. از <https://aftabnews.ir/fa/news>.
- انواری، محمدرضا. (۱۳۹۱). «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری افکار عمومی». خبرگزاری فارس. از <https://www.farsnews.com/news>
- باقری، هادی؛ قوام صفت، موسیو حاصلی، غلامرضا. (۱۳۹۸). «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر مهاجرت ورزشکاران نخبه در ایران». مدیریت منابع انسانی در ورزش. ۲۶(۲)، صص ۲۵۷-۲۷۶. doi: 10.22044/shm.2019.7698.1858
- پایگاه خبری تحلیلی عصر همدان. (۱۳۹۸). «جلوی مهاجرت نخبگان ورزشی گرفته شود». از <http://asrehamedan.ir/20549>.
- تذهیبی، خادم‌علی. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل مؤثر بر توسعه ورزش همگانی و موانع موجود از دیدگاه شرکت‌کنندگان و دست‌اندرکاران همایش پیاده‌روی صبح و نشاط در استان خوزستان». کنفرانس بین‌المللی مدیریت و اقتصاد در قرن ۲۱. تهران.
- دهقان قهفرخی، امین. (۱۳۸۹). «ارزیابی عملکرد مربیان تیم‌های ملی والیبال با استفاده از بازخورد ۳۶۰ درجه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه تهران.
- جوادپور، محمد و رهبری، سمیه. (۱۳۹۶). «شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر سیاستگذاری ورزش همگانی ایران». سیاست‌نامه علم و فناوری. ۱۷(۳)، صص ۷۵-۸۴.
- رضایی، شمس‌الدین و صالحی‌پور، مژگان. (۱۳۹۷). «تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه صنعت ورزش ایران با رویکرد داده‌بنیاد». مدیریت منابع انسانی در ورزش. ۶(۱)، صص ۸۹-۱۰۷.
- دیباقر، مجید. (۱۳۹۷). «مهاجرت نخبگان در ورزش». شبکه اطلاع‌رسانی دانا. از <http://www.dana.ir/news>
- سجادی، سیداحمد؛ راسخ، نازنین؛ رضوی، سید محمدحسین و دوستی، مرتضی. (۱۳۹۶). «مطالعه تطبیقی ساختار ورزش ایران و کشورهای منتخب اروپا». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۳۶، صص ۲۳-۴۲.
- فاضلی، حبیب. (۱۳۹۱). «ورزش و سیاست هویت». علوم سیاسی. ۷(۲)، صص ۱۵۱-۱۷۴.

- مظفری، سید امیر احمد؛ الهی، علی رضا؛ عباسی، شهاب؛ احدپور، هنگامه و رضایی، زین العابدین. (۱۳۹۱). «راهبردهای توسعه نظام ورزش قهرمانی ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۳، صص ۳۳-۴۸.
- محمدی ترکمانی، احسان؛ باقری، قدرت اله؛ زارعی متین، حسن؛ معینی، حسین و خنیفر، حسین. (۱۳۹۵). «سبک زندگی ورزشکاران نخبه ایرانی (ارائه یک نظریه داده بنیاد)». پژوهش در ورزش تربیتی. ۴(۱۱)، صص ۷۱-۹۶. doi: 10.22089/res.2016.846
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۸). «ورزش و سیاست». فصلنامه سیاست. ۳۹(۲)، صص ۳۰۱-۳۱۶.
- نظری، رسول و تابش، سعید. (۱۳۹۸). «چالش های توسعه ورزش ایران با رویکرد استعدادیابی و نخبه پروری گلخانه ای». مدیریت و توسعه ورزش. ۸(۱)، صص ۲-۱۴.
- هزیری، کاظم؛ ریحانی، محمد و رمضان نژاد، رحیم. (۱۳۹۰). «سیاست های ورزش نخبه در کشورهای آمریکا و کانادا». اولین همایش ملی استعدادیابی ورزشی.
- Alexandra, F. Bell, Camilla J. Knight, Victoria, E. Lovett & Catherine, Shearer. (2020). "Understanding elite youth athletes' knowledge and perceptions of sport psychology". Journal of Applied Sport Psychology, 1 (1), 252-286.
- Benach, J., Muntaner, C., Chung, H., & Benavides, F. G. (2010). "Immigration, Employment Relations, and Health: Developing a Research Agenda". American Journal of Industrial Medicine, 53, 338-343.
- De Rycke, J., & De Bosscher, V. (2019). "Mapping the potential societal impacts triggered by elite sport: a conceptual framework". International Journal of Sport Policy and Politics, 11(3), 485-502.
- Funahashi, H., De Bosscher, V., Mano, Y. (2015). "Understanding public acceptance of elite sport policy in Japan: a structural equation modeling approach". European Sport Management Quarterly, 15(4): 478-504.
- Funahashi, H., Shibli, S., Sotiriadou, P., Mäkinen, J., Dijk, B., & De Bosscher, V. (2020). "Valuing elite sport success using the contingent valuation method: A transnational study". Sport management review, 23(3), 548-562.
- Green., M (2020). "Power, Policy, and Political Priorities: Elite Sport Development in Canada and the United Kingdom". Sociology of Sport Journal, 21(4), 378-396.
- Green, B. C (2005). "Building Sport Program to Optimal Athlete Recruitment, Retention and Transition: Toward a Normative Theory of Sport Development". Journal of Sport Management, 19, 233- 253.
- Hainmueller, J., & Hopkins, D. J. (2014). "Public Attitudes toward Immigration". Annual Review of Political Science, Center for research and Analysis of Migration, 17, 1-29.
- Lee, H. K. (2018). "Reflections on South Korean Immigration Studies and the Interrelationship between Immigration and Social Transformation". Journal of International Studies, 39(2), 145-162.
- Ma, Y., & Kurscheidt, M. (2019). "The National Games of China as a governance instrument in Chinese elite sport: an institutional and agency analysis". International Journal of Sport Policy and Politics, 11(4), 679-699.
- Mäkinen, J., Lämsä, J., & Lehtonen, K. (2019). "The analysis of structural changes in Finnish sport policy network from 1989 to 2017". International Journal of Sport Policy and Politics, 11(4), 561-583.

- Singh, J., Appleby, B. B., & Lavender, A. P. (2018). "Effect of plyometric training on speed and change of direction ability in elite field hockey players". *Sports*, 6(4), 144.
- Stenling, C., & Fahlén, J. (2021). "Sport club consultants as street-level bureaucrats in sport policy processes: conceptualising micro-level interaction styles and their macro-level consequences". *European Journal for Sport and Society*, 1-19.
- Shibli, S., De Bosscher, V., van Bottenburg, M. (2014). "Measuring and forecasting elite sporting success". In I. Henry & K. Ling-Mei (Eds.), *Routledge Handbook of Sport Policy*. Abingdon: Routledge, pp. 212–224.
- Tan, T. C., Zheng, J., & Dickson, G. (2019). "Policy transfer in elite sport development: the case of elite swimming in China". *European Sport Management Quarterly*, 19(5), 645-665.





شېركاھ علوم انسانی و مطالعات فرېنجی
پر تال جامع علوم انسانی